

منابع قواعد فقه در مذاهب اسلامی

حسین شفیعی فینی^۱

محمد ظاهر محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۵

چکیده

در غیاب قانون منسجم و نوشته در کشورهای اسلامی، قواعد فقه مبنای قضاوت بوده است و فقها و قضات ناگزیر از مراجعه به این قواعد بوده‌اند که در هر کدام از مذاهب اسلامی به شیوه و سیاق خاصی تدوین شده است. این مقاله به بررسی سیر تدوین قواعد فقه که حاصل اندیشه و پژوهش فقهی فقها در مذاهب اسلامی پرداخته است. در ابتدا به تعریف قواعد فقه و سپس منابع این قواعد اشاره شده است با توجه به قدمت تألیفات در مذاهب اهل سنت ابتدا سیر تطور آن در مذهب حنفیه و سپس سایر مذاهب اهل سنت از جمله مالکی و حنبلی و شافعی پرداخته و آن گاه به مذهب امامیه می‌پردازیم و در هر کدام از این مذاهب به ترتیب تقدم، تألیفات مرتبط ذکر خواهد شد سپس ضمن بررسی مجله‌الاحکام و تأثیرات آن بر کشورهای اسلامی و عربی و بررسی شرح‌های آن در پایان نگاهی گذرا به قواعد حاکم بر کشورهای اسلامی در زمان حاکمیت عثمانی و پس از استقلال خواهیم داشت و تصنیفات جدید را در این زمینه، حتی الامکان به همراه شرح مختصری از کتاب مزبور معرفی می‌نمائیم.

کلید واژه: قواعد فقه، مذاهب اسلامی، مجله‌الاحکام، مذاهب اهل سنت، مذهب امامیه

ورود به بحث

با توجه به اینکه علم قواعد فقه یا به دیگر سخن علم حلال و حرام یکی از مهمترین علوم شرعی بوده و نیز فقیه و مفتی و قاضی و حاکم شرع به آن نیاز مبرم دارند تا به وسیله آن در موارد ابهام رجوع نموده لذا کسی که به این قواعد احاطه داشته باشد بر تمامی فقه آگاه خواهد بود از این رو علمای قدیم و جدید به آن

*۱- استادیار دانشگاه خوارزمی تهران. dr.hoshafiei@gmail.com

۲- وکیل دادگستری و عضو هیات مدیره کانون کردستان، دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی.



توجه ویژه ای نموده اند و با توجه به تعدد مذاهب مختلف اسلامی و اختلاف نظر در شیوه‌های استنباط و نیز کثرت مسائل فقهی و تنوع و دسته‌بندی آنها علمای آگاه و فقهای بصیر لزوم تجمیع این فروع و مسائل زیاد و متفرقه را حس نموده تا طالبین احکام صحیح را از میان این دریای بیکران مسائل جزئی راهنما باشند از همین رو آنها موارد شبیه به هم را به یکدیگر ضمیمه نموده موارد تشابه را ذکر نموده و مجموع این موارد را با ریسمانی به نام قاعده به هم وصل کرده‌اند و بدین شکل قواعد فقهی ایجاد شده است.

لذا لازم است که کل این مجموعه فارغ از تعلق آن به مذهب خاصی مورد کنکاش قرار گیرد و حقوقدانان خود را در قالب تالیفات مذهب خاصی مقید ننمایند و هر جا قاعده مفیدی را مشاهده نمودند بدون تعصب مذهبی در تالیفات خود از آن بهره ببرند تا موجب غنای بیشتر استنباط و نظرات حقوقی گردد. کما اینکه فقهاء این مذاهب نیز در موارد متعدد از نظرات و آراء یکدیگر بهره گرفته و تالیفات خود را غنا بخشیده‌اند.

محقق و پژوهشگر هرگاه بخواهد تاریخچه قواعد فقه و سیر تطور آن را مطالعه نماید ناگزیر از مراجعه به تصنیفات و تالیفات فقهای مذاهب مختلف اسلامی بوده و بدون این سیر تاریخی نمی‌تواند شمایی کلی از قواعد را دریابد. برای تألیف رساله خود در زمینه یکی از قواعد فقه با این کمبود منابع روبرو شده و با مراجعه به آثار اساتید حقوقدانان ای کاستی را در شناخت منابع سایر مذاهب به عیان مشاهده نمودم لذا برای رفع این مشکل و ارائه لیستی از منابع معتبر قواعد فقه در مذاهب مختلف اسلامی این مقاله را تدوین نمودم و با توجه به قدمت منابع به ارائه اهم تصنیفات هر کدام از این مذاهب پرداخته و در پایان نیز نگاهی گذرا به مجله قواعد فقه که در گذشته‌ای نه چندان دور و قبل از ارائه کدهای ناپلئون با ارائه قواعدی مشترک همچون کدهای فرانسوی موجب ایجاد رویه ای مشترک در محاکم اسلامی شده است موضوعی که می‌تواند موجب خود باوری مسلمانان و بازگشت به مفاهیم والای اسلامی در محاکم گردد و در حقیقت این مقاله پاسخی به این سوال اساسی است که ریشه کدهای فرانسوی و سبب قبول این کدها از سوی کشورهای مسلمان در چیست؟

تعاریف و مفاهیم

قاعده در لغت

قواعد جمع قاعده به معنای اصل و اساس است (ابن منظور، ۱۹۹۰م-۱۴۱۰ق). در صحاح جوهری آمده: قواعد بیت و بنا اساس و پایه آن است. معنای قاعده از «قعود» یعنی ثبات و استقرار گرفته شده است



(فیومی، غزالی، رافعی قزوینی، ۱۴۱۴ هـ). طریحی در «مجمع البحرین» می‌نویسد: «القواعد جمع القاعده و هی الالاساس لما فوقه» یعنی قواعد جمع قاعده و اساس و مبنایی است برای آنچه بر روی آن قرار می‌گیرد (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۹).

قاعده در اصطلاح

در آیه های زیر از قواعد استفاده شده است: «واذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت واسماعیل» (بقره: ۱۲۷) و «فأتی اللہ بنیانهم من القواعد» (نحل: ۲۶). قاعده در این دو آیه معنی اساس و چیزی که بر آن بنیان قرار می‌گیرد را می‌دهد (زمخشری، ص ۱۷۸). بر این اساس لفظ قواعد یعنی اساس شیء و اصل آن و تفاوتی ندارد که این شیء حسی باشد مانند پایه های خانه یا معنوی باشد مانند قواعد دین و این موضوع در نص قرآن وارد شده است و بر اساس همین معنای لغوی کلمه قاعده در اصطلاح قاعده فقهی آمده است زیرا اصل و اساس برای جزئیات و فروع فقه می‌باشد.

فقه در لغت

همان گونه که در این آیه آمده است: «فما هؤلاء القوم لایکادون یفقهون حدیثاً» (نساء: ۷۸) چه بر سر این قوم آمده که هیچ سخنی را نمی‌فهمند؟ به معنای فهم دقیق و عمیق است.

فقه در لغت در مشهورترین معنای آن دلالت می‌نماید بر ادراک شیء و علم به آن گفته می‌شود همانگونه که در زبان عربی می‌گوییم (فقهت الحدیث أفقهه) یعنی حدیث را درک کردم و نسبت به آن عالم شدم و علم به هر چیزی فقه می‌باشد سپس این معنا بر علم دین غلبه یافت بخاطر سیادت و شرف این علم نسبت به سایر علوم است (ابن منظور، ۱۹۹۰ م-۱۴۱۰ ق، ج ۱۳، ص ۵۲۲) و از آن جمله است گفتار خداوند که «لیتفقهوا فی الدین» (توبه / ۱۲۲) یعنی در شرایع دین را یاد بگیرید تا نسبت به آن عالم شوید. سپس این علم به شریعت اختصاص یافت و هر عالمی به حلال و حرام را فقیه می‌گویند (ابن فارس، ۱۹۹۷ م-۱۳۹۹ ق، ج ۴، ص ۴۴۲).

فقه در اصطلاح

به معنای مجموع احکام شرعی فرعی کلی یا وظایفی است که شارع یا عقل (در صورت نبود شرع) وضع می‌کند (حکیم، ۱۳۶۸، ص ۴۰).



معانی زیادی برای فقه آورده شده لکن مشهورترین تعریف (العلم بالأحكام الشرعية العملية المكتسب من أدلتها التفصيلية) یعنی علم به احکام شرعی عملی که از دلایل تفصیلی برداشت می‌شود (سبکی & ابن سبکی، ۱۹۹۵ م-۱۴۱۶ هـ).

قواعد فقه

پس از اینکه معنی قواعد و فقه را دانستیم بایستی اشاره شود که علما قاعده فقهی را با تمام مرکبات آن می‌شناسند، در ذیل به دو تعریف اشاره می‌شود. ابن نجیم می‌فرماید: «الحکم الکلی الذی ینطبق علی جمیع جزئیاته لتعرف احکامها منه» حکم کلی که بر تمامی جزئیاتش منطبق است تا احکام شناخته شود (ابن نجیم، ۱۹۸۳ م-۱۴۰۹ ق، ج ۱۰، ص ۲۲). مثلاً قاعده «عقد باطل هیچ گونه اثری ندارد» حکمی کلی است که بر عقود باطل معین تطبیق می‌شود و می‌گوییم: این عقد، اثری ندارد، چون باطل است یا آن اجاره اثری ندارد؛ چون باطل است.

همچنین احمد الزرقاء در این خصوص می‌فرماید: «اصول فقهیه کلیه فی نصوص موجزه دستوریه تتضمن احکاما تشریعیه عامه فی الحوادث التي تدخل تحت موضوعها» قواعد فقهی، اصول فقهی کلی است با عبارت‌های کوتاه و اساسی که احکام تشریحی عام را در حوادثی که در موضوعات آن‌ها داخل است شامل می‌شود (احمد الزرقاء، ۱۹۹۸ م-۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۹۴۱).

حموی از فقهای نامی مذهب حنفی می‌گوید: قاعده نزد فقهاء غیر از آن چیزی است که نزد داناتان و اصولیین است زیرا نزد فقهاء حکمی حداکثری و نه کلی است که بر اکثریت جزئیات آن مطابقت می‌نماید (حموی، ۱۹۸۵ م-۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۵۱).

امام ابن السبکی از از فقهای مذهب شافعی می‌گوید: قاعده امری کلی است که بر جزئیات زیادی منطبق می‌باشد (سبکی، ۱۹۹۱ م-۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۱۱).

منابع قواعد فقه

مبنا و مصدر قواعد فقهی که از سوی فقها در خلال سده‌ها تا کنون وضع گردیده و مرتب شده و به آن عمل شده است سه مصدر است:

قرآن

به عنوان اولین منبع قواعد فقه باید از کتاب آسمانی مسلمانان نام برد که الهام بخش مصنفین قواعد فقه بوده است. در زیر نمونه‌هایی از آیات قرآنی مرتبط با قواعد فقه آورده شده است:



- «لايكلف الله نفسا الا وسعها» (بقره: ۲۸۶) خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.

- «يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر» (بقره: ۱۸۵) خداوند راحتی شما را می‌خواهد و زحمت شما را نمی‌خواهد.

- «ولا تلقوا بأيديكم إلى التهلكة» (بقره: ۱۹۵). خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید.

- «لا إكراه في الدين، قد تبين الرشد من الغي» (بقره: ۲۵۶). در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است .

- «ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج» (مائده: ۶). خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند.

- «ولا تزر وازره وزر اخري» (انعام: ۱۶۴). هیچ گناهکاری گناه دیگری رامتحمل نمی‌شود.

- «فمن اضطر غير باغ ولا عاد فلا إثم عليه» (بقره: ۱۷۳). کسی که (برای حفظ جان خود به خوردن آنها) ناچار شود در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهی نیست.

سنت

سیره پیامبر گرامی اسلام و کلمات گهربار ایشان یکی دیگر از منابع غنی قواعد فقه می‌باشد که چند نمونه از احادیث نبوی را که هرکدام تبدیل به یکی از قواعد فقهی شده‌اند عبارتند از:

- «انما الأعمال بالنیات» به درستی که اعمال و کارهای انسان به نیتها وابسته است (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ج ۱۴، رقم ۱).

- «الأمور بمقاصدها» اعتبار و ارزش امور به اهداف آن است (مسلم، ج ۶۶، ش ۱۹۰۷).

- «لا ضرر ولا ضرار» هیچ ضرر و ضرر زسانی در اسلام نیست (مسلم، همان، ج ۴، ش ۱۶۱).

- «الخراج بالضمان» منافع در مقابل ضمان است (ابن ماجه، ج ۳، ص ۷۵۴).

- «كل عمل ليس عليه أمرنا فهو رد» هر کاری که به آن دستور نداده ایم مردود است (مسلم، ج ۳، ص ۱۳۴۳).

- «المسلمون على شروطهم» مسلمان پایبند به پیمانهای خود می‌باشند (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ج ۳، ص ۹۲).

اجتهاد



فقهاء با استنباط از قواعد کلی و مسلمات منطق و تجمیع فرع‌های فقهی مشابه در علت استنباط قواعدی را استخراج نموده‌اند مانند «الضرر یزال» که از حدیث لا ضرر و لا ضرار گرفته شده یا «السؤال معاد فی الجواب» که از مبادی عربی گرفته شده یا «التابع تابع» که از مسلمات منطق گرفته شده است.

انواع قواعد فقهی

قواعد کلی

استاد محمد مصطفی الزحیلی رئیس دانشکده شریعت و دراسات اسلامی در دانشگاه الشارقة در کتاب ارزشمند «القواعد الفقهیة وتطبیقاتها فی المذاهب الأربعة» می‌فرماید: قواعد فقهی اساسی که بین تمامی مذاهب متفق علیه می‌باشد که عبارتند از:

الامور بمقاصدها، الیقین لا یزول بالشک، المشقة تجلب التیسیر، الضرر یزال، العادة محكمة (زحیلی، ۲۰۰۶ م-۱۴۲۷ ق، ص ۳۲) که بعضی از شافعی‌ها (ابن نجیم، ۱۹۸۳ م-۱۴۰۹ ق، ج ۱۰، ص ۷) این قواعد را در شعر زیر به نظم آورده‌اند:

للسافعی فکن بهن خبیرا	خمس مقررہ قواعد مذهب
و کذا المشقة تجلب التیسیرا	ضرر یزال و عادة قد حکمت
والقصد أخلص إن أردت أجورا	والشک لا ترفع متیقناً

قواعد مذهبی

اینها قواعدی کلی هستند که در بعضی از مذاهب وجود دارند به خلاف سایر مذاهب این قواعد خود بر دو دسته تقسیم می‌شوند که دسته اول قواعدی است که در مذهب یا مذاهب مذکور متفق علیه هستند و دسته دوم قواعدی که در آن مذاهب مورد اختلاف می‌باشند؛ مانند قاعده «من أستعجل الشیء قبل اوانه عوقب بحرمانه» که این قاعده در مذاهب حنفی و مالکی و حنبلی وجود دارد و در مذهب شافعی نیست. و دسته سوم قواعدی هستند که در یک مذهب مورد اختلاف نظر می‌باشند مانند «هل النظر الی المقصود أو الی الموجود» که در مذهب شافعی مورد اختلاف نظر است به همین خاطر با کلمه هل می‌آیند. اولین کسی که قواعد فقهی را مدون ساخت ابو طاهر الدباس امام حنفی در ماوراء النهر در قرن ۴ هجری بود و این قواعد را به ۱۷ قاعده تقسیم نمود که علماء برای یاد گرفتن این قواعد نزد او سفر می‌نمودند و قاضی حسین امام شافعی این قواعد را به ۴ قاعده مختصر نمود (زحیلی، ۲۰۰۶ م-۱۴۲۷ ق، ص ۳۴).



کتابهای قواعد فقه در مذهب حنفی

- امام ابو جعفر السجستانی متوفی در سال ۲۴۰ ق اولین کتاب اصولی را با نام «الغنیة فی أصول الفقه» تالیف نمود (سجستانی، ۱۴۱۰ ق).
- ابوالحسن کرخی متوفی در سال ۳۴۰ ق کتاب «اصول الکرخی» را که به موارد اختلافی بین شافعیه و حنفی پرداخته است، تالیف نمود (کرخی).
- ابوعلی احمد ابن محمد شاشی متوفی در سال ۳۴۴ ق کتاب «اصول الشاشی» را تالیف نمود (شاشی، ۱۳۹۲).
- أحمد بن علی أبو بکر الرازی الجصاص الحنفی متوفی در سال ۳۷۰ ق کتاب «الفصول فی الأصول» را تالیف نمود (الجصاص، ۱۹۹۴ م-۱۴۱۴ ق).
- ابوزید عبدالله ابن عمر دبوسی متوفی در سال ۴۳۰ ق فقیهی محقق و متولد دبوسیه که منطقه ای بین بخارا و سمرقند می باشد او پایه گذار بحث خلاف بود کتاب «تأسیس النظر» خود را که در مورد مسائل مورد اختلاف بین فقهی حنفی و مالکی و شافعی می باشد را تالیف نمود (دبوسی).
- از دیگر آثار وی می توان به الاسرار و الامد الاقصی و تقویم الادله و الانوار در اصول فقه و خزانه الهدی در فقه و شرح جامع کبیر در فتوا اشاره نمود.
- فخرالدین علی ابن محمد البزدوی مشهور به ابوالعسریه خاطر سختی و مشکل بودن نوشته هایش بر خلاف برادرش ابوالیسر می باشد و لقب خاص وی فخر الاسلام است (ابن خلدون، ۱۳۹۳، ص ۴۵۶) متوفی در سال ۴۸۳ ق در سمرقند کتاب «اصول البزدوی یا کنز الوصول الی معرفه الاصول» را تالیف نمود (البزدوی الحنفی، ۱۳۹۲). شهرت بزدوی بیشتر به دلیل کتاب اصول بزدوی است که نثری موجز و انشایی دشوار دارد (ابن خلدون، همان، ص ۴۵۶).
- احمد ابن ابی سهل سرخسی شمس الأئمه متوفی در سال ۴۲۸ ق کتاب «اصول السرخسی یا تمهید الفصول فی الأصول» را در ۳۸۴ صفحه و در دو جلد تالیف نمود (سرخسی، ۱۹۹۳ م-۱۴۱۴ ق).
- نجم الدین عمر النسفی متوفی در سال ۵۳۷ هجری در شهر سمرقند و مشهور به امام الثقلین به جهت اینکه گویند جن و انس از محضرش تعلیم می گرفته اند وی متولد نخشب در جنوب سمرقند کتاب «عقاید النسفیة» را بر اساس قواعد کرخی مدون نموده و برای هر قاعده مثالی آورده و احکام مستنبطه از آن قاعده را در مذهب حنفی آورده است (نسفی سمرقندی، ش ۱۳۹۳). علامه تفتازانی این کتاب را شرح نموده است از جمله آثار فارسی ی تفسیر نسفی است که به نثر مسجع و موزون نوشته شده است.



- جمال الإسلام امام ابوالمظفر اسعد بن محمد ابن الحسين الكرابیسی النیشابوری الحنفی متوفی در سال ۵۷۰ ق در کتاب خود با نام «الفروق» در دو جلد قواعد را بر حسب ابواب فقهی تدوین نمود (کرابیسی، ۱۹۸۲ م-۱۴۰۲ ق).

- ابن نجیم مصری متوفی در سال ۹۷۵ هجری که در زمان خود مرجعی مهم برای پاسخ به اشکالات سوالات فقهی بوده در کتاب مشهور خود با نام «الأشباه و النظائر» قواعد کلی را جمع نموده و آنها را مرتب و بر اساس فروع تقسیم بندی نمود سپس اصل قاعده را ذکر نموده و کتابش را در ۷ فن مرتب نمود (ابن نجیم، ۱۹۸۳ م - ۱۴۰۹ ق).

فن اول در شناخت قواعد که این در حقیقت اصل فقه است و فقیه بوسیله آن به درجه اجتهاد نایل می آید فن دوم در ضوابط است که سودمندترین بخش برای مدرس و مفتی و قاضی می باشد الی آخر که این کتاب به دفعات در هند و مصر و دیگر جاها به چاپ رسیده است. محمد مطیع حافظ در مقدمه خود، ۲۷ شرح و تعلیق و حاشیه و تبویب بر این اثر معرفی کرده که خود حکایت از اهمیت کتاب به عنوان یکی از آثار متأخر فقه حنفی دارد (ابن نجیم، همان، ص ۱۴).

- ابی سعید محمد الخادمی متوفی در سال ۱۱۵۵ ق کتاب «مجامع الحقائق» که کتابی در اصول فقه است تصنیف نمود (خادمی، ۱۳۰۸ ق) و در پایان کتاب قواعد فقهی را در ۵۴ قاعده بیان نموده که محمد الکوز الحصاری در کتاب خود با نام «منافع الحقائق» آن را شرح نموده است.

- شیخ محمود حمزه الدمشقی الحنفی مفتی دمشق در زمان سلطان عبدالحمید متوفی در سال ۱۳۰۵ هجری در کتاب خود با نام «الفوائد البهیة فی القواعد و الفوائد الفقهیة» هر قاعده را بر حسب ابواب فقه تصنیف نموده و برای هر قاعده مصدر فقهی آن و نیز فروع آن را ذکر نموده است و در پایان هر قاعده حکمی اساسی مربوط به آن قاعده را که در مجموع فواید نام نهاده بود، بیان نموده است (حمزه الدمشقی، ۱۹۸۶ م-۱۴۰۶ ه). از دیگر کتابهایش می توان از درالابرار و فتاوی محمودیه و الکوکب الظاهره فی الاحادیث المتواتره نام برد.

کتابهای قواعد فقه در مذهب مالکی

- ابو عبدالله محمد بن الحارث الخشنی القيروانی متولد مغرب و متوفی در سال ۳۶۱ هجری در کتاب خود با نام «اصول الفتیا» اصول و فروع مذهب مالکی را آورده است (الخشنی القيروانی، ۱۹۸۵ م).

- شهاب الدین ابی العباس احمد بن إدريس بن عبدالرحمن القرافی الصنهاجی المصری المالکی متوفی در سال ۶۸۴ هجری در کتاب خود با نام «الفروق» قواعد کلی و ضوابط فقهی را آورده و وجه تشابه و افتراق



بین قواعد را ذکر نموده است (القرافی). **أبی القاسم**، قاسم بن عبد الله الأنصاری، المعروف بابن الشاط متوفی در سال ۷۲۳ هجری در کتاب خود با نام «ادرار الشروق علی أنواء الفروق» کتاب الفروق را حاشیه نویسی نموده است که بسیاری از آراء القرافی را تصحیح نموده است.

— **أبی عبد الله محمد بن محمد بن أحمد القرشی التلمسانی المَقْرِي**، قاضی الجماعة در شهر فاس، متوفی در سال ۷۵۸ ق کتاب «القواعد، للمَقْرِي» را تصنیف نمود که مشتمل بر ۱۲۰۰ قاعده می باشد (المَقْرِي، ۲۰۱۲ م).

— **أبی العباس أحمد بن یحیی ونشیری**، متوفی در سال ۹۱۴ هجری در کتاب خود با نام (إيضاح المسالك إلى قواعد الإمام مالک) ۱۱۱۸ قاعده را به صورت غیر مرتب آورده است (ونشیری، ۲۰۰۶ م— ۱۴۰۲۷ ق).

— **أبی الحسن علی بن قاسم الزقاق المالکی متوفی در سال ۹۱۲ هجری در منظومه خود با نام «المنهج المنتخب»**

در ۴۴۴ بیت بر اساس أبواب فقه قواعد فقه را تنظیم نموده که بارها بر آن شرح نوشته شده است. از جمله این شروح شرح فرزندش **أحمد الزقاق** (ت ۹۳۱) **الشیخ أحمد بن علی المنجور** (ت ۹۹۵)، **الشیخ أبو الحسن علی بن عبد الواحد الأنصاری السجلماسی** (ت ۱۰۵۷) **والشیخ العلامة عبد القادر السجلماسی** (ت ۱۱۸۷ هـ) **والشیخ النابغة الغلاوی** (ت ۱۲۴۵)، **والشیخ أحمد بن زیاد الأبهمی الדיمانی** (ت ۱۳۲۲) **والشیخ محمد الأمين بن أحمد زیدان الجکنی** (ت ۱۳۲۵) **والشیخ أبو القاسم محمد بن أحمد التواتی اللیبی** می باشد. این مجموعه به لحاظ کمی حجم و ارزش علمی و سهولت یادگیری و حفظ یکی از بهترین منابع فقه مالکی شناخته می شود و در ۱۸ فصل تنظیم شده و از بحث صلاة تا بحث سنت و بدعت را شامل می شود در ذیل نمونه ای از این منظومه آورده شده است.

يَقُولُ	نَجَلُ	قَاسِمِ	عَلِيُّ	عَبِيدُ	رَبِّهِ	هُوَ	الْعَلِيُّ
حَمْدُ	الِإِلَهِ	رَبَّنَا	يُقَدِّمُ	وَالْقَوْلُ	مَهْمَا	لَمْ	يُقَدِّمُ
أَحْمَدُهُ	حَمْدًا	كَثِيرًا	الْعَدَدِ	مُصَلِّيًّا	عَلَى	الْهُدَى	مُحَمَّدِ
وَأَلِهِ	وَصَحْبِهِ	وَالتَّابِعِينَ	وَأَهْلِهِ	طَاعَةً	الِإِلَهِ	أَجْمَعِينَ	وَبَعْدُ
فَالْقَصْدُ	بِهَذَا	الرَّجَزِ	نَظْمُ	قَوَاعِدِ	بَلْفِظِ	مُوجَزِ	
مِمَّا	انْتَمَى	إِلَى	الْإِمَامِ	ابْنِ	أَنْسُ	وَمَا	لَدَيْهِمْ
						مِنْ	أَسَسُ



کتابهای قواعد فقه در مذهب شافعی

قواعد در قرن دوم هجری ظاهر شدند و بر دو گونه بودند اصولی و فقهی که امام شافعی اولین کسی بود که قواعد اصولی را وضع نمود اما قواعد فقهی را علمای حنفی اولین بار تدوین نموده بودند با این وصف کتابهای قواعد فقه در مذهب شافعی به شرح زیر می باشند.

- قاضی حسین متوفی در سال ۴۶۲ ق، امامی بزرگ در این مذهب بود و کتابهایی را در اصول و فروع تصنیف نمود هرگاه نام قاضی برده شود منظور این شخص می باشد وی اولین کسی بود که اساس فقه شافعی را بر چهار قاعده بنا نهاد و نخستین کسی بود که قواعد نگاری کرد.

- امام الحرمین ابی محمد الجوینی، عبد الله بن یوسف بن محمد بن حیویه متوفی در سال ۴۳۸ ق در کتاب خود با نام «التلخیص فی أصول الفقه» که اولین تصنیف وی در هنگام اقامت در مکه بوده به صورت خلاصه به مبحث اصول فقه پرداخته (الجوینی، ۲۰۰۷ م) و در کتاب «البرهان فی أصول الفقه» به بحث برهان پرداخته است (الجوینی ۱۴۱۸ ق - ۱۹۹۷ م).

- ابی محمد عز الدین عبد العزیز بن عبد السلام السلمی متوفی در سال ۶۶۰ هجری کتاب وزین خود را با نام «قواعد الأحکام فی مصالح الأنام» که القواعد الكبرى فی فروع الشافعیة نامیده می شود و از شاگردان القرافی بوده است را تالیف نمود (السلمی، ۱۹۹۱ م - ۱۴۱۱ ق). ایشان معتقد بود که تمامی قواعد به این قاعده کلی «درء المفسد» ختم می شود.

- ابن الوکیل، صدر الدین محمد بن عمر بن الوکیل الشافعی متوفی در سال ۷۱۶ هجری در کتاب خود با نام «الأشباه والنظائر» قواعد مذاهب شافعی را جمع نموده است (ابن الوکیل، ۱۴۱۸ ه). این کتاب در یک جلد و ۴۰۰ صفحه راهنما و دلیلی بود برای سایرین همچون سبکی و ابن نجیم و اسنوی و سیوطی که کتابهای خود را با همان نام تالیف نموده اند. این کتاب مشتمل بر قواعد اصولی و قواعد فقهی در مذهب شافعی بوده و اختصار را در ذکر فروع رعایت نموده است به گونه ای که تنها کسی که بر مذهب شافعی احاطه داشته باشد قادر به فهم مثال های وی خواهد بود.

- صلاح الدین بن خلیل کیکلدی العلائی الشافعی الحافظ الدمشقی متوفی در سال ۷۶۱ هجری کتاب خود را با نام «المجموع المذهب فی قواعد المذهب الشافعی» در دو جلد و ۷۶۵ صفحه تالیف نمود (العلائی کیکلدی، ۱۹۹۴ م - ۱۴۱۴ ق).



- تاج الدین، عبد الوهاب بن علی بن عبد الکافی السبکی متوفی در سال ۷۷۱ ق کتاب مشهور خود با نام «الأشباه والنظائر» را در دو جلد تالیف نمود (سبکی، ۱۹۹۱ م- ۱۴۱۱ ق). وی در این کتاب پس از پرداختن به قواعد خمسه سایر قواعد را بیان می نماید

- بدر الدین محمد بن عبد الله الزرکشی متوفی در سال ۷۹۴ ق کتابی یگانه را در روش و عمیق در اسلوب که بر اساس حروف معجم مرتب شده و سراج الدین العبادی آن را شرح نموده و شیخ عبد الوهاب الشعرانی المتوفی سنه ۹۷۳ ق آن را خلاصه نموده است را با نام «القواعد فی الفقه، أو المنثور فی القواعد» در ۸۹۶ صفحه و در دو جلد تالیف نمود (زرکشی، ۲۰۰۰ م- ۱۴۲۱ ق).

- سراج الدین أبو حفص عمر بن علی معروف بابن الملتن الشافعی متوفی در سال ۸۰۴ ق کتاب «نواظر النظائر» که خلاصه الأشباه والنظائر ابن السبکی می باشد را در ۱۱۷ صفحه تالیف نمود (ابن الملتن، ۲۰۱۲ م- ۱۴۳۳ ق).

- جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر سیوطی شافعی، متوفی در سال ۹۱۱ ق یکی از بهترین و جامع ترین و شامل ترین کتابهای قواعد فقه را با نام «الأشباه والنظائر» تالیف نمود (سیوطی، ۱۹۹۰ م- ۱۴۱۱ ق). سیوطی از نوشته های علمای قبل از خودش از جمله سبکی و زرکشی حافظ العائلی استفاده نموده و در متن خود به مطالب دو نفر اول رجوع داده است و علاوه بر اینها علم و درایت خودش در فقه و اصول و قواعد زبان عربی را نیز اضافه نموده است و این کتاب را بر ۷ کتاب مرتب نمود که مهمترین این کتابها همان کتاب اول در شرح قواعد پنج گانه می باشد و کتاب دوم را به قواعد کلی که منحصر به صور جزئی نمی باشد اختصاص داده و در کتاب سوم به قواعد مورد اختلاف پرداخته است. وی در مقدمه کتابش فرموده است که اول شخصی که به این قواعد پرداخته شیخ الاسلام ابن عبدالسلام در کتاب «قواعد الكبرى» می باشد و پس از وی زرکشی در کتاب «قواعد» و ابن وکیل در کتاب «الاشباه» می باشد (سیوطی، همان، ص ۴).

- علوی بن أحمد بن عبدالرحمان السقاف کتاب ارزشمند خود را با نام «الفوائد المکیة فیما یحتاجه طلبه الشافعیة والضوابط والقواعد الکیة» تالیف نمود تا طلاب علم فقه به صورت عام و فقه شافعی به صورت خاص با این علم آشنا شوند (السقاف، ۲۰۱۶ م). مولف در این اثر تعدادی از قواعد مذهب شافعی را بیان نموده و همچنین فواید و ضوابط و اشارات و راهنمایی های مورد نیاز را برای طلابی که قصد یادگیری فقه شافعی را دارند بیان نموده است تا به این وسیله نحوه انتخاب در بین فتاوی مختلف امامان مذهب شافعی را باتوجه به کتب به جای مانده از آنان را طلاب یاد دهد.



کتاب های قواعد در مذهب مالکی عبارتند:

شیخ محمد حسن شطی حنبلی مالکی متوفی در سال ۱۳۰۷ ق در مقدمه کتاب خود با نام «توفیق المواد النظامیه لأحكام الشریعة المحمدیة» که مشتمل بر ۲۰۰ ماده می باشد (الشطی) می فرماید: فقهای محقق مسائل فقهی را در قواعدی کلی جمع نموده اند که تمامی این مواد ضابطه ای جامع برای مسائل مختلف می باشد و فقهای حنفی این قواعد را به ۸۰۰ قاعده رسانیده اند (الشطی، همان ص ۹)

- اَبی عبد الله محمد بن عبد الله بن الحسين السامری الحنبلی، معروف به بابن سُنَّیْنَه، مجتهد المذهب متوفی در سال ۶۱۶ قدر کتاب مشهور خود با نام «الفروق» احکام و دلایل و علت های وضع آن احکام را به تفصیل آورده است (السامری، ۱۹۹۷ م-۱۴۱۸ ق) و نیز علت تفاوت و فرق را از جهت اینکه ناشی از حدیث یا قاعده اصولی باشد را ذکر نموده است جزء اول این کتاب در بخش عبادات به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد محمد ابراهیم ابن محمد یحیی در دانشکده شریعت در دانشگاه محمد سعود الاسلامیه در سال ۱۴۰۲ ق آمده و سایر قسمتهای کتاب در دو رساله علمی در دانشگاه، ام القری عربستان سعودی چاپ شده است.

- شیخ الإسلام ابن تیمیة، تقی الدین أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام الحرانی، متوفی در سال ۷۲۸ ق کتاب ارزشمند خود را با نام «القواعد النورانیة الفقهیة» در یک جلد و ۳۸۴ صفحه تالیف نمود (ابن تیمیة، ۱۴۲۲ ق). این قواعد بر باب های عبادات سپس معاملات توزیع شده است و در اتنای بحث بعضی از قواعد فقهی را آورده است و از جهت مقابله با سایر مذاهب ممتاز می باشد مانند قاعده سوم در عقود و شروط که از جهت حلال و حرام و نیز صحیح و فاسد مورد بررسی قرار گرفته است و مسائل این قاعده بسیار است و خلاصه بحث آن است که در عقود و شروط اصل بر حذر است مگر آنکه در شرع اجازه صادر شده باشد و به صورت مفصل آن را از جوانب مختلف مورد بحث و بررسی قرار داده است و در واقع این قاعده بیشتر از سایر قواعد کلی با نظر عامه در خصوص شروط نزدیک می باشد.

- زین الدین عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامی، البغدادی، ثم الدمشقی، الحنبلی مشهور به ابن رجب متوفی در سال ۷۹۵ ق کتاب «تقریر القواعد و تحریر الفوائد» اما این کتاب مشهور به «القواعد فی الفقه الإسلامی» را در یک جلد و ۵۴۶ صفحه تالیف نمود (ابن رجب، ۲۰۰۸ م) که ایشان در ص ۸ مقدمه این کتاب می فرماید: «فلقد سنح بالبال، علی غایه من الإعجال، کالارتجال أو قریبا من الارتجال، فی أيام سیرة ولیل» و به واقع می توان تالیف این کتاب را در این مدت کم از عجایب دهر دانست که مشتمل بر ۱۶۰ قاعده و ۲۱ مساله مشتمل بر قواعد فقهی کلی و احکام شرعی بسیاری است و در آن قواعد فقهی و ضوابط و قواعد اصولی و فروع فقهی است اما با شیوه و اسلوبی خاص و روشی که بیشتر به فقه نزدیکتر



است تا قواعد و از جمله کسانی که بر قواعد ابن رجب حاشیه نوشته اند می توان از محب الدین أحمد بن نصر الله الحنبلی متوفی در سال ۸۴۴ و شیخ ابن عثیمین متوفی در سال ۱۴۲۱ ق در سلسله درسهای خود آن را شرح داده اند و نیز شیخ عبد الرحمن بن سعدی متوفی در سال ۱۳۷۶ ق در کتاب «تحفه أهل الطلب» این قواعد را مختصر نموده و دکتر عبد الکریم اللاحم این مختصر را شرح نموده است.

- ابن اللحام علی بن عباس البعلی الحنبلی المتوفی در سال ۸۰۳ ق کتاب «القواعد والفوائد الأصولیة، وما يتعلق بها من الأحكام الفرعیة» را در سه جلد و ۱۵۷۸ صفحه تالیف نمود (ابن اللحام، ۲۰۰۲ م-۱۴۲۳ ق). این کتاب حاوی قواعد اصولی و فروع فقہی آن است همراه با مقارنه و مقایسه بین مذاهب اهل سنت که در در ضمن بیان قواعد ضوابط و مسایل و احکام شرعی مربوطه را نیز بیان می نماید.

کتابهای قواعد فقه در مذهب امامیه:

- ابو زکریا یحیی بن احمد بن حسن بن سعیدحلی هذلی متوفی در سال ۶۸۹ ق درحله عمو زاده محقق اول صاحب شرایع است که «نزهة الناظر فی الجمع بین الاشباه والنظائر» در موضوع جمع میان اشباه و نظائر در فقه امامیه را در ۱۶۱ صفحه نوشته است (حلی، ۱۳۹۴ ق). وی مولف جامع الشرایع که یک دوره کامل فقه شیعه است نیز می باشد.

- حسن بن یوسف مطهر، مشهور به علامه حلی متوفی در سال ۷۲۶ ق کتاب ارزشمند «قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام» در سه جلد که به تقاضای فرزندش فخر المحققین نگاشته شده است (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق). این کتاب در زمان حکومت صفویه قانون اداره کشور بر اساس احکام اسلامی بوده است و فقهای بسیاری بر آن شرح و تعلیق زده‌اند که در زیر اسامی بعضی از آنها آمده است.

- فخرالمحققین از علمای شهر حله و فرزند علامه حلی متوفی در سال ۷۷۱ ق در کتاب «ایضاح الفوائد فی شرح القواعد» که شرح کتاب «القواعد» پدر و به دستور پدرش در چهار جلد نوشته شده است (فخرالمحققین، ۱۳۸۷). شیوه نگارش این کتاب براساس دو کلمه «قوله» گفته‌است و «أقول» می‌گوییم بوده و جلد اول و دوم این کتاب شرح جلد اول قواعد و جلد سوم و چهارم، شرح جلد دوم کتاب قواعد الاحکام است (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ ش، همان، ص ۴).

- شهید اول محمد بن مکی عاملی متوفی در سال ۷۸۶ در کتاب «القواعد والفوائد» در دو جلد پی ریزی تالیف و تدوین در زمینه قواعد فقہی را پایه گذاری کرده است (عاملی شهید اول، ۱۴۰۰ ق). کتاب قواعد شهید به علت نظم و سبک نگارش خاصی که دارد پس از نگارش بسیار زود مورد توجه مجامع علمی و فرهنگی شیعه امامیه قرار گرفت و به عنوان کتاب درسی حوزه‌های علمیه برگزیده شد. این کتاب گرچه



حاوی قواعد فقهی است، گاه به قواعد اصولی و ادبی نیز پرداخته است و در مجموع مشتمل است بر حدود ۳۰۳ قاعده و صد فایده. گویا این کتاب اولین اثر عالمان شیعه در موضوع قواعد فقهی است. شهید اول، در این کتاب، ابتدا قاعده و یا فایده‌ای را مطرح نموده، سپس به طرح فروع فقهی آن می‌پردازد و اگر استثنائاتی نیز وجود داشته باشد، بیان می‌نماید.

- مقداد بن عبدالله سیوری حلی متوفای ۸۲۶ ق معروف به فاضل مقداد، از شاگردان مبرز شهید اول مولف کتاب «نضد القواعد الفقهیه علی مذهب الامامیه» است و در تنقیح، ترتیب، تنظیم و تجدید نگارش کتاب «القواعد و الفوائد» شهید اول نگارش یافته است (فاضل مقداد، ۱۳۶۱). بی آنکه مؤلف، چیزی بر اصل کتاب بیفزاید، مگر در مسئله قسمت که آن را در آخر کتاب آورده است. کتاب، مشتمل بر مقدمه محقق، یک مدخل، یک مقدمه و دو قطب، است (فاضل مقداد، ۱۳۶۱ ش، همان ص ۴). نویسنده، نخست کتاب شهید اول را با حذف زواید و مکررات، پیراسته کرده و نامش را «جامع الفوائد فی تلخیص القواعد» گذاشته است و بعد از آن، کتاب را به ترتیب فروع فقهی، مرتب کرده و نام حاضر را بر آن نهاده است. در این کتاب، نویسنده، جز باب قسمت، چیزی را بر کتاب شهید اول نیفزوده است.

- شیخ محمد ابن زین الدین مشهور به ابن ابی جمهور احسائی متوفی در سال ۹۰۱ ق کتاب «الاقطاب الفقهیه علی مذهب الامامیه: درر الالکی العمادیه فی الاحادیث الفقهیه» از جمله دست نوشته های ارزشمند محقق نامی قرن دهم، شیخ محمد بن زین الدین معروف به ابن ابی جمهور احسائی است (ابن ابی جمهور الاحسائی، ۱۳۳۸). کتاب مذکور منحصر به قواعد فقهی نیست، بلکه در آن تعدادی از قواعد اصولی و قواعد عربی نیز طرح شده است. مؤلف در این کتاب فقط به آراء و نظرات علماء امامیه نپرداخته، بلکه بعضی آراء و فروع فقهیه علماء عامه را تحت عناوین «و فیہ قولین» و «فیہ احتمالان» بیان کرده است (هادی نقی جلال آباد، ۱۳۹۴).

- شیخ علی بن عبدالعالی کرکی معروف به محقق کرکی یا محقق ثانی متوفی در سال ۹۴۰ ه، از فقهای جبل عامل و از اکابر فقهاء شیعه کتاب ارزشمند «جامع المقاصد فی شرح القواعد» در ۱۳ جلد به زبان عربی را تألیف نمود. (عاملی کرکی محقق ثانی، ۱۴۱۴ ق) این کتاب که تا مبحث نکاح قواعد است، از مدارک مهم فقه شیعه و مرجع و مستند فقها و مجتهدان بزرگ شیعه است. محقق ثانی را به سبب تألیف همین کتاب، صاحب جامع المقاصد هم می‌گویند.



جامع المقاصد سرشار از تحقیقات عالی علمی و تدقیقات لطیف فقهی و پیراسته از تطویل و تکثیر فروع می باشد و از نظر معنی، نگارش و محتوا، یکی از بهترین و نفیس ترین و متقن ترین متون فقهی شیعه است. در بسیاری از متون فقهی، فقها فتاوی خود را مستند به رأی محقق ثانی نموده اند.

- زین الدین بن علی عاملی معروف به شهید ثانی متوفی در سال ۹۶۵ ق از چهره‌های برجسته علمای شیعه در قرن دهم هجری کتاب «تمهیدالقواعد الاصولیه و العربیه لتفریع الاحکام الشرعیه یا تمهید القواعد» را تالیف نمود (شهید ثانی، ۱۳۹۶). مولف در مقدمه تمهیدالقواعد می فرماید: از آن‌جا که دو علم اصول فقه و عربی از مهمترین مقدمات علم فقه‌اند و فقیه برای استنباط احکام بدان‌ها نیاز دارد، وی کتاب را در دو بخش تنظیم کرده است: بخش نخست یکصد قاعده اصولی و بخش دوم یکصد قاعده عربی را در بر دارد (شهید ثانی، ۱۳۹۶، همان، ص ۲۴ و ۲۵).

وی، علاوه بر بیان اصول و قواعد، فروع فقهی راجع به هر قاعده را نیز با رعایت اختصار و ایجاز ذکر کرده است. کتاب، مشتمل بر دو بخش است؛ بخش اول، حاوی هفت مقصد و بخش دوم دارای چهار مقصد است و هر یک از دو بخش، شامل صد قاعده می‌باشد.

تمهیدالقواعد اصولاً بر پایه فقه امامی تألیف شده و ظاهراً نخستین اثری است که بدین سبک در زمینه فقه شیعه تدوین گردیده است. البته مؤلف علاوه بر استناد به آیات و احادیث بسیار و استشهاد از آنها، در موارد متعدد آرای فقها و ادیبان اهل سنت را آورده است و از این رو می‌توان این کتاب را اثری تطبیقی درباره اصول فقه نیز دانست.

هر یک از دو بخش تمهیدالقواعد در چند «مقصد» و هر مقصد در ابوابی تنظیم شده و قواعد هر مبحث بترتیب آمده است. همچنین شهید ثانی در برخی ابواب مباحثی ضمنی با عنوان «مقدمه»، «مسأله» یا «فایده» مطرح کرده است.

- شیخ جعفر بن خضر مالکی، معروف به کاشف‌الغطاء از علما و فقیهان نامی زمان فتحعلیشاه در قرن سیزدهم هجری متوفی در سال ۱۲۲۸ ق مهمترین و عالی‌ترین کتاب وی کتاب «کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء» است که در عبادات می‌باشد تا آخر باب جهاد و در آخر نیز کتاب وقف را بر آن افزوده است (کاشف الغطاء، ۱۳۱۷ ق).

شیخ جعفر این کتاب را در سفر تالیف کرده و از کتاب‌های فقهی، به جز قواعد علامه، همراه نداشته است و این کتاب از عجایب روزگار است، آن چنان که مؤلفش بود. در حکومت عثمانی که تمام کشورهای اسلامی (به جز ایران که استقلال داشت) تحت حکومت او بود، در آن زمان علمای اترک ترکیه، به کمک



علمای مصر، یک کتابی نوشتند بنام «مجله الأحكام» قواعد فقهیه را در آنجا آورده‌اند، در تمام محاکم سنی آن زمان این کتاب مدرک است، مثل قانون مدنی که الآن در اختیار همه قضات است، مجله الأحكام در اختیار همه آنها بود حتی در عراق هم در محاکم مجله الأحكام را مطرح می‌کردند، مرحوم کاشف الغطاء این مجله را زیرو رو کرده بنام (تحریر المجله) طبق فقه امامیه تنظیم گردیده و سیزده قاعده هم بر آن افزوده است این کتاب در موضوع فقه و برای تدریس در رشته حقوق دانشکده حقوق بغداد نگاشته شده است مولف در آغاز کتاب می‌فرماید: برخی از دانشجویان رشته حقوق از من درخواست کردند تا کتابی مختصر در بیان احوال شخصی و معاملات مالی به شیوه فقه شیعیه به نگارش درآورم. با توجه به اینکه کتاب مجله العدلیه یا مجله الاحکام کتاب درسی رشته حقوق در دانشکده‌های حقوق از زمان حکومت ترکان عثمانی تا امروز بوده آنرا کتابی خوب، مرتب و دارای مطالبی ارزشمند دیدم ولی با این وجود دارای نقائص، تکرار و مطالب اضافی و نیازمند به بیان مدارک برخی قواعد و فروع یافتم لذا این کتاب را به رشته تحریر در آوردم (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ ق، همان، ج ۱ ص ۳).

- احمد بن محمد مهدی بن ابو ذر نراقی کاشانی، معروف به فاضل نراقی متوفی در سال ۱۲۴۵ ق کتاب «عوائد الایام فی مهمات ادله الأحكام و مهمات مسائل الحلال و الحرام» که به زبان عربی و یکی از مشهورترین آثار بجا مانده از مولف است (نراقی، ۱۳۷۵). کتاب در ۹۶۰ صفحه وهشتاد و هشت عانده را دربر دارد و مؤلف، در هر عانده، مسئله و یا قاعده‌ای را با دقت تمام به بحث گذاشته است.

- سید عبدالله بن سید محمدرضا شبر حسینی نجفی کاظمی متوفی در سال ۱۲۴۲ ق عالم شیعه در قرن سیزدهم هجری قمری، محدث موثق امامیه، عالم اخلاق و نویسنده تفسیر شبر است. سید عبدالله شبر کتاب «الاصول الأصلیه والقواعد الشرعیة» را در ۳۳۷ صفحه نگاشته است (شبر، ۱۴۰۴ ق).

سید عبدالله شبر آثار علمی و تألیفات بسیاری در این علوم داشت و بیش از هفتاد عنوان اثر، از خود به جا گذاشت. وی به قدری تندنویس بوده که در پایان برخی نوشته‌هایش نگاشته است: اوایل شب نوشتن این رساله را آغاز نمودم و نزدیک نیمه شب به پایان رسید (امین عاملی ۱۴۰۳ ق، ج ۸، ص ۸۳).

- سید میر عبد الفتاح حسینی مراغی متوفی در سال ۱۲۵۰ ق به زبان عربی و در دو جلد کتاب «العناوین الفقهیه» در موضوع قواعد فقهی را نگاشت (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ ق). مباحث کتاب در ۹۴ عنوان و یک فائده ارائه شده است این کتاب بسیاری از مباحث فقهی و اصولی از جمله تعدادی از قواعد فقهی را دربر گرفته است. هر یک از مباحث یک «عنوان» را به خود اختصاص داده و به نحو مبسوط و استدلالی به



آن پرداخته شده است. مصنف در ابتدای هر عنوان پس از طرح مساله اقوال و وجوه محتمل در آن را مطرح کرده و به تفصیل مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت نظر خود را بیان می‌کند.

- سید حسن موسوی بجنوردی متوفی در سال ۱۳۹۶ ق در هفت جلد، کتاب «القواعد الفقهیه» را به زبان عربی نگاشت (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷).

اگر چه پس از ایشان کتاب‌های بسیاری در زمینه قواعد فقهی نوشته شده است، اما هیچ یک به لحاظ وسعت مطالب و در بر گرفتن مهم‌ترین قواعد فقهی در ردیف این اثر ارزشمند نیست. کتاب، مشتمل بر یک مقدمه تحقیقی ارزشمند و هفت جزء است. شیوه کار مؤلف محترم، بر این پایه است که مدارک و مستندات قاعده را به بحث می‌کشد و در طی آن، به شرح روایات، سنت، بنای عقلا، اجماع علما و... می‌پردازد.

- سیدمحمدتقی حکیم ریاست دانشکده فقه نجف متوفی در سال ۱۴۲۳ ق کتاب «القواعد العامه فی الفقه المقارن» را در ۲۹۶ صفحه را تالیف نمود (حکیم، ۱۳۶۸).

مجله الأحكام العدلیة:

در زمان خلافت عثمانی قواعد فقهی از جهت شکل و تطبیق و نیز اشتهار و اعتماد عمومی در قانونگذاری قضایی ممتاز و راهکاری جدید محسوب می‌شد لذا هیئتی مکلف به وضع مجله احکام عدلیه در معاملات مالی از جهت احکام شرعی گردید. این هیئت کار خود را با تنظیم مقدمه ای و سپس تنظیم مواد مجله با ذکر قواعد کلی شروع نمود تا به این مواد رجوع شود و مورد اعتماد کلی قرار گیرد لذا قواعد جمع شده توسط ابن نجیم را مبنا قرار داده و قواعد دیگری را نیز به آن اضافه نموده و شکل و اسلوب این قواعد را نیز اصلاح نمود. این مجله در سال ۱۲۸۶ هجری تنظیم شد و در سال ۱۲۹۳ هـ / ۱۸۷۶ م به کار گرفته شد در ابتدا ۹۹ قاعده آمده است که هر قاعده در ماده مستقلی از ماده ۲ لغایت ۹۹ آمده است اما این مواد از جهت الفبایی یا موضوعات فقهی مرتب نگردیده بود و به شکلی نامنظم تنظیم شده بود.

هدف از این قواعد کلی در انتهای ماده یک آمده است آنجا که می‌گوید: فقهای محقق مسائل فقهی را به قواعد کلی ارجاع داده اند که هر کدام از این قواعد منظم و جامع برای مسائل زیادی بوده و مسلم و معتبر در کتابهای فقهی آمده اند اینها دلایلی برای اثبات مسائل و درک آنها در ابتدا و نیز آشنایی با مسائل و یادگیری آنها و نیز وسیله ای برای استقرار در ذهن هستند لذا ۹۹ قاعده فقهی جمع گردیده است. سپس بعضی از این قواعد اگر چه زمانی که به تنهایی به آنها نگریسته شود مشتمل بر بعضی استثناها خواهد بود لکن در مجموع کلیت و عمومیت آنها را دچار اختلال نخواهد نمود. گرچه بعضی از این قواعد یکدیگر را تخصیص یا مقید خواهند نمود.



شارحین مجله شروع به شرح این قواعد و بیان اهمیت و دلالتها و نیز فروعات فقهی زیر مجموعه این قواعد و مسائل جزئی مربوطه و نیز استثناهایی که از این قواعد خارج می شوند، نمودند. بسیاری از این شرح ها با زبان ترکی و بعضی از آنها به زبان عربی ترجمه شدند با این وصف شرح های مستقل با زبان عربی به شرح زیر می باشند:

- مسعود افندی مفتی قیصری سابق اولین مجله را با نام «مرآة عدلیه» که شرحی با زبان عربی بر متن ترکی می باشد را تنظیم نمود (افندی، ۱۸۸۱ م). این شرح حاوی ماخذها و شرحی کوتاه و واضح می باشد.
- سلیم رستم باز اللبنانی از اعضاء شورای دولتی عثمانی، کتابی حجیم با نام «شرح المجلة» که در سال ۱۲۸۸ صفحه و در دو جلد نوشته شده و در ابتدا به شرح قواعد کلی پرداخته است را تالیف نمود (باز اللبنانی، ۱۸۹۸ م).

- یوسف آصاف که خود منشی روزنامه محاکم و وکیل دادگستری در مصر می باشد کتاب «مرآة المجلة» را که شرح مجله الاحکام می باشد در دو جلد و ۵۱۱ صفحه تالیف نموده است (یوسف آصاف، ۱۸۹۴ م).

- علی حیدر که خود رئیس محکمه تمیز عثمانی و امین الفتیا و وزیر عدلیه و استاد المجله در دانشکده حقوق استانبول می باشد کتاب «درر الاحکام شرح مجله الأحکام» را تالیف نمود که این کتاب توسط وکیل دادگستری فهمی الحسینی به زبان عربی ترجمه و در چهار جلد و ۸۳۶ ماده می باشد که این شرح در ۱۶ جزء همانند تقسیم کتابهای المجله تنظیم شده و در آن دلایل شرعی برای هر حکم همراه با مصادر بیان شده است (حیدر، ۲۰۰۳ م-۱۴۲۳ ق).

- استاد محمد سعید الغزّی یکی از اساتید دانشکده حقوق دمشق می باشد این استاد در غزه متولد شده سپس استاد حقوق مدنی بیروت گردید و آن گاه استاد دانشکده حقوق دمشق گردید. ایشان کتاب «الادلة الاصلیة الاصولیة شرح مجله الاحکام العدلیة» که در سال ۱۹۱۹ توسط که شرحی مختصر در سه جزء کوچک و شامل مواد کلی همراه با مقابله های آن با مواد جدید می باشد را تالیف نمود (غزّی، ۱۹۱۹ م).

- استاد محمد سعید المحاسنی که خود وکیل دادگستری و استاد درس المجله در دانشکده حقوق دمشق است کتاب «شرح مجله الأحکام العدلیة» را در سه جلد تنظیم نمود، این کتاب درسی بوده و بر اساس شرح علی حیدر تنظیم شده است با این تفاوت که مراجع را حذف نموده و این قواعد را با قوانین جدید مطابقت داده است (محاسنی، ۱۹۲۷ م).



- شیخ محمد خالد الأتاسی که مفتی حمص می باشد کتاب «شرح المجله» را تالیف و فرزندش شیخ محمد طاهر الأتاسی که او نیز مفتی حمص بوده این شرح را تکمیل نموده است این شرح از ۶ قسمت تشکیل شده و جزء اول به قواعد کلی اختصاص یافته است؛ و در این شرح به مرجع های فقهی معتمد اشاره شده است (اتاسی & اتاسی، ۱۹۳۰ م).

- استاد شیخ عزت عبید الدعاس کتاب «القواعد الفقهیه» که کتابی کوچک در ۱۲۸ صفحه است همراه با شرحی مختصر از قواعد را تالیف نمود (الدعاس، ۱۹۸۹ م-۱۴۰۹ ق). وی در این کتاب مقدمه ای از قواعد فقهی را ذکر نموده سپس قواعد مجله را با همان ترتیب و تقسیمات موجود در مجله آورده است همراه با شرحی کوتاه از سوی مولف برای توضیح معنای قاعده با اختصار و بیان اصل آن همچنین بعضی از فروعات تطبیقی و بعضی از استثنای قاعده را نیز آورده است.

- شیخ أحمد بن محمد الزرقا الحلبي متوفی در سال ۱۳۵۷ ق کتاب «شرح القواعد الفقهیه» را تالیف نمود که این کتاب شرحی مختص به قواعد فقهی موجود در مجله الاحکام در ۵۰۹ صفحه می باشد. با شیوه ای جدید به گونه ای که ابتدا معنی قاعده را از نظر لغت آورده و سپس مصطلحات آن را شرح داده و معنا و منظور نویسنده را شرح داده است. سپس مسائل تطبیقی آن قاعده از نظر علمای حنفی آورده آن گاه مستثنیات قاعده را بیان نموده و فوائد فقهی و موضوعات ضروری در ارتباط با آن قاعده را با همان ترتیب موجود در مجله ذکر نموده است (الزرقاء، ۱۹۸۹ م-۱۴۰۹ ق).

لازم است که به این نکته اشاره شود که مجله احکام عدلیه در دوران حکومت عثمانی کارکرد قانون مدنی را داشت و در تمامی مناطقی که زیر سلطه عثمانی بود بجز مصر اجرا می شد سپس به تدریج در ترکیه و سوریه و عراق و کویت ملغی گردید در مصر بجای مجله قوانین مدنی بیگانه که از قانون مدنی فرانسه (کدهای ناپلئون) اقتباس شده بود با تطابق با فقه اسلامی اجرا می شد. مجله در اردن و فلسطین اشغالی و بعضی از امارت های امارات متحده عربی تا این اواخر اجرا می شد تا اینکه در اردن اولین قانون مدنی که از فقه اسلامی گرفته شده بود تصویب و پس از آن قانون معاملات در امارات متحده عربی و سودان از این قانون پیروی نمودند و تمامی این قوانین از قواعد فقهی سابق نشأت گرفته بودند و به عنوان نمونه کامل می توان از قانون مدنی عراق نام برد؛ اما در کشور عربستان سعودی در معاملات مدنی و مالی و قضایی بر قول متمد مذهب حنبلی در دادگاه های شرعی اعتماد شده است.



آثار و پژوهش‌های نو در زمینه قواعد فقهی:

- در زمان معاصر شیخ مصطفی احمد الزرقاء استاد شریعت و قانون مدنی در دانشکده شریعت و دانشکده مدنی در دانشگاه دمشق در بخش ۶ از کتاب قیمتی و مفید خود به نام «المدخل الفقهي العام» قواعد فقهی را به شیوه‌ای نوین دسته‌بندی نموده و قواعد کلی را ۴۰ قاعده و قواعد فرعی را ۹۹ قاعده آورده است و در پایان ۳۱ قاعده جدید را نیز از کلام علمای سابق استخراج نموده است (الزرقاء، ۱۹۹۸ م-۱۴۱۸ ق).

- شرف الدین محمد صدقی بن أحمد البورنو أبو الحارث الغزی استاد در دانشکده شرع دانشگاه امام محمد ابن سعود متوفی در سال ۷۹۹ هـ کتاب خود را در ۱۳ جلد با نام «موسوعة القواعد الفقهية» را تالیف نمود که این مجموعه نفیس شامل ۴۱۹۲ قاعده می‌باشد. ایشان در این مجموعه ابتدا به هر قاعده شماره‌ای اختصاص داده و در سمت چپ شماره مذکور اصطلاح فقهی قاعده را آورده سپس معنی قاعده و مدلول آن و نیز معنای لغوی و اصطلاحی بعضی از الفاظ را در کنار شرح مختصری ذکر نموده و مثالی نیز آورده است سپس به استثنای این قاعده پرداخته و در صورت اختلاف بین علمای مذاهب موارد اختلاف را ذکر نموده است و به آیات و احادیث مربوطه نیز اشاره نموده است (بورنو، ۱۹۹۷ م-۱۴۱۸ ق). وی همچنین کتاب «الوجيز في إيضاح القواعد الفقهية الكلية» را نیز تالیف نموده است.

- علی بن عثمان الغزی متوفی در سال ۱۹۹۶ م کتاب «موسوعة القواعد الفقهية» را در ۱۰ جلد تالیف نمود ایشان در ابتدا قاعده را ذکر نموده سپس استثنای آن را ذکر کرده آن‌گاه به بررسی مثال‌های مربوطه پرداخته است. (غزّی، ۱۹۹۷ م-۱۴۱۸ ق)

- محمد بن صالح بن محمد العثیمین عالم و فقیه سعودی و استاد در دانشکده شرع دانشگاه امام محمد ابن سعود در منطقه قسیم عربستان کتاب مختصر و مفید «القواعد الفقهية» را در ۹۳ صفحه تالیف نمود (عثیمین).

- محمود مصطفی عبود هرموش کتاب «القاعدة الكلية وأعمال الكلام أولى من إهماله و أثرها في الاصول» را در ۵۰۹ صفحه تالیف نمود (هرموش، ۱۹۸۹ م). این کتاب تحقیقی اصولی و فقهی است در خصوص مقارنه تصرفات قولی وارد در کلام مکلف و کلام شارع و بحثی در خصوص الفاظ و حقیقت و مجاز و تصریح و کنایه و عموم و خصوص و اطلاق و تقييد و ناسخ و منسوخ که بر کلام مکلف و کلام شارع وارد می‌شود.



- صالح بن غانم سدلان کتاب «القواعد الفقهیه الكبرى» را در ۵۵۷ صفحه در خصوص ۵ قاعده اصلی نوشته شده است (سدلان، ۱۹۹۹ م-۱۴۲۰ ق).
- ناصر مکارم شیرازی «القواعد الفقهیه: ثلاثون قاعدة فقهیه عامه تجری فی مختلف أبواب الفقهیه» در دو جلد به بررسی ۳۰ قاعده کلی فقه که کاربردهای زیادی نیز در ابواب مختلف فقهی دارد، پرداخته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰).

مقالات مرتبط با قواعد فقه در مجلات تخصصی:

- با بررسی مجلات تخصصی حقوق برخی از مقالات مرتبط با موضوع این مقاله را جهت آگاهی و اطلاع خوانندگان معروض می‌دارم.
- غلامرضا هادی نقی جلال آباد، بررسی دست نوشته های ابن ابی الجمهور احسائی در مقاله «الاقطاب الفقهیه علی مذهب الامامیه» (هادی نقی جلال آباد، ۱۳۹۴).
- محمود سرشار مقاله «قواعد فقه» (سرشار، ۱۳۳۶).
- جمال الدین جمالی مقاله «قواعد فقه اسلامی» (جمالی، ۱۳۴۹).
- محمد حسین رجائی مقاله «تاریخچه شکل گیری قواعد فقه در میان فریقین» (رجایی، ۱۳۸۹).
- محمود ویسی مولوی مقاله «نگاهی دوباره به قواعد فقهی با تکیه بر کتاب قواعد فقه مذهب شافعی» (ویسی مولوی، ۱۳۹۴).
- ابو الفضل احمد زاده مقاله «فقه و تمهید قواعدی بر آن» (احمدزاده، ۱۳۹۴).
- مجید وزیری مقاله «حوزه قواعد فقهی: روش شناسی کشف قواعد فقهی در فقه امامیه» (وزیری، ۱۳۸۷).
- علی رحمانی فرد و محمدعلی نجیبی مقاله «تفاوت قاعده ی اصولی با قاعده ی فقهی» (رحمانی فردنجیبی، ۱۳۹۵).
- محمدحسین صاحب نزار استاد دانشکده فقه دانشگاه کوفه، مقاله «شهید اول پایه گذار قواعد فقهی» مترجم عبدالله امینی پور (صاحب نزار، ۱۳۸۸).



نتیجه گیری:

یکی از افتخارات دنیای جدید در موضوع قانونگذاری کدهای ناپلئون می باشد گرچه در اروپا و به طور اخص در فرانسه فتح بابی در این زمینه بوده و تمامی قوانین اروپا و بیشتر نقاط دنیا آن را الگو و سرمشق خود قراردادند اما باید اذعان نمود که فقهاء و قواعد نگاران اسلامی از مذاهب مختلف قرن‌ها قبل از تدوین کدهای ناپلئون با تنظیم کدهای اختصاصی به نام قواعد فقه راهنمای محاکم و قضات بوده اند و هر جا قاضی با ابهامی در قضاوت مواجه می شد به این قواعد رجوع می نمود کما اینکه در مقدمه قانون مدنی فرانسه نیز به کتابهای فقهی شیعه و سنی و استفاده از این منابع اشاره شده است و یکی از دلایل سهولت تدوین قانون مدنی و پایداری آن در خلال نزدیک به صد سال از تصویب آن همین استفاده از منابع غنی فقهی بوده است. به گونه ای که در خلال این سالها کمترین نیازی به اصلاح داشته و تاکنون نیز مفید و کارساز بوده است. از این رو نگارنده در این مقاله سعی نموده است تا اهم تالیفات قواعد فقه در مذاهب مختلف به همراه مشخصات کتاب مربوطه را ذکر نموده و محققین را بی نیاز از جستجوی این منابع سازد. لذا پیشنهاد میگردد مقنن در اقتباس از حقوق کشورهای اروپایی صرفاً به قوانین و مقرراتی توجه نماید که پیشینه ای از آن موضوع در فقه پویای اسلامی وجود داشته باشد در غیر این صورت در جامعه مسلمان پذیرفته نشده و دیر یا زود تغییر یافته یا منسوخ خواهد گردید.

منابع

کتاب‌ها

*قرآن

- ۱- آصاف، یوسف (۱۸۹۴ م). *مرآة المجله*، قاهره، المطبعة العمومیة.
- ۲- ابن ابی جمهور احسائی، علی بن ابراهیم (۱۳۳۸). *الاقطاب الفقهیة علی مذهب الامامیه: درر الالکی العمادیة فی الاحادیث الفقهیة*، مصحح محمد حسون، قم، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت. (ع)
- ۳- ابن تیمیة، أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام (۱۴۲۲ ق). *القواعد النورانیة الفقهیة*، محقق: أحمد بن محمد الخلیل، القاهرة، دار ابن الجوزی.
- ۴- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۹۳). *مقدمه ابن خلدون*، ج ۱، مترجم: محمد پروین گنابادی، تهران، موسسه انتشارات آگاه.
- ۵- ابن رجب، عبد الرحمن بن أحمد (۲۰۰۸ م). *القواعد فی الفقه الإسلامی*، بیروت، دار الکتب العلمیة.



- ۶- ابن الشاط، قاسم بن عبد الله (۱۳۴۴ ق). *ادرار الشروق علی أنواء الفروق*، قاهره، دارالاحیاء الکتب القدیمة.
- ۷- ابن اللحام، علی بن عباس (۱۴۲۳ ق - ۲۰۰۲ م). *القواعد والفوائد الأصولیة وما یتعلق بها من الأحکام الفرعیة*، محقق: عائض بن عبد الله الشهرانی - ناصر بن عثمان الغامدی، ریاض، مکتبه الرشید.
- ۸- ابن ماجه محمد بن یزید (؟). *سنن ابن ماجه*، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي بیروت دار احیاء الکتب العربیة.
- ۹- ابن الملقن، عمر بن علی، (۱۴۳۳ ق - ۲۰۱۲ م). *نواظر النظائر*، محقق یوسف احمد، لبنان، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ۱۰- ابن منظور، محمد بن المکارم (۱۹۹۰ ق - ۱۴۱۰ م). *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ۱۱- ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم (۱۹۸۳ م - ۱۴۰۹ ق). *الأشباه والنظائر*، محقق محمد مطیع حافظ، دمشق، دارالفکر.
- ۱۲- ابن الوکیل، محمد بن مکی بن عبد الصمد بن المرحل (۱۴۱۸ ق). *الأشباه والنظائر فی فقه الشافعیة*، محقق: محمد حسن محمد حسن إسماعیل، ریاض، مکتبه الرشید.
- ۱۳- اتاسی، محمد خالد و اتاسی، محمد طاهر (۱۹۳۰ م). *شرح المجله، سوریا، مطبعه حمص*.
- ۱۴- احمد زاده، ابو الفضل، تابستان ۱۳۹۴، (فقه و تمهید قواعدی بر آن)، مجله نقد کتاب فقه و حقوق، شماره ۲، ۱۰ صفحه - از ۱۴۹ تا ۱۵۸.
- ۱۵- الباسین، یعقوب بن عبدالوهاب (۱۴۲۰ ق - ۱۹۹۹ م). *القواعد الفقهیة*، چاپ دوم، ریاض، مکتبه الرشید.
- ۱۶- الدعاس، عزت عبید (۱۴۰۹ ق - ۱۹۸۹ م). *القواعد الفقهیة مع الشرح الموجز، سوریه، حمص، دار الترمزی*.
- ۱۷- امین جبل عاملی، محسن، (۱۴۰۳ ق)، *اعیان الشیعه*، محقق: امین، حسن، لبنان، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ج ۸، ص ۸۳.
- ۱۸- بخاری، محمد بن إسماعیل (۱۴۲۲ ق). *صحیح البخاری*، بیروت دار طوق النجاة.
- ۱۹- بزدوی، فخرالدین علی ابن محمد (۱۳۹۲). *اصوال البزدوی یا کنز الوصول الی معرفه الاصول*، محقق: سائد بکداهش، تهران، دار البشائر الإسلامیة.
- ۲۰- بورنو، محمد صدقی بن احمد، (۱۴۱۰ ق - ۱۹۸۹ م). *الوجیز فی ایضاح القواعد الفقهیة الکلیه*، چاپ دوم، ریاض، دارمعارف.
- ۲۱- بورنو، محمد صدقی بن أحمد (۱۴۱۸ ق - ۱۹۹۷ م). *موسوعه القواعد الفقهیة*، ریاض، المکتبه الاسلامیة.



- ۲۲- حکیم، محمد تقی (۱۳۸۷). *القواعد العامة فى الفقه المقارن*، تهران، المجمع العالمى للتقريب بين المذاهب الإسلامية
- ۲۳- حلی، یحیی ابن سعید، (۱۳۹۴ ق). *نزهة الناظر فى الجمع بين الاشباه والنظائر*، تحقیق سید احمد حسینی، نورالدین واعظی ایران، قم، منشورات رضی.
- ۲۴- جصاص الحنفی، أحمد بن علی أبو بکر الرازی (۱۴۱۴ ق- ۱۹۹۴ م). *الفصول فى الأصول*، تحقیق دکتر عجیل جاسم النشمی، کویت، وزارة الأوقاف الكويتیه.
- ۲۵- جمالی، جمال الدین، دوره اول، سال سیزدهم، بهمن ۱۳۴۹، *(قواعد فقه اسلامی)*، مجله: کانونوکلا، شماره ۹، ۴ صفحه - از ۲۲ تا ۲۵.
- ۲۶- جوینی، عبد الملك بن عبد الله بن يوسف بن محمد (۲۲۰۷ م). *التلخیص فى أصول الفقه*، محقق: عبد الله جولم النبالی ویشیر أحمد العمری، لبنان، بیروت دار البشائر الإسلامية.
- ۲۷- جوینی، عبد الملك بن عبد الله بن يوسف بن محمد (۱۴۱۸ ق- ۱۹۹۷ م). *البرهان فى أصول الفقه*، محقق: صلاح بن محمد بن عویضه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۲۸- حسینی مراغی میر عبد الفتاح (۱۴۱۷ ق). *العناوین الفقهیه*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- ۲۹- حکیم محمد تقی (۱۳۸۷ ق). *القواعد العامة فى الفقه المقارن*، تهران، المجمع العالمى للتقريب بين المذاهب الإسلامية.
- ۳۰- خادمی، ابی سعید محمد (۱۳۰۸ ق). *مجامع الحقائق*، قسطنطنیه، المطبعة العامره.
- ۳۱- خشنی، محمد بن حارث (۱۹۸۵ م). *اصول الفتنيا فى الفقه على مذهب الإمام مالک*، محققین محمد المجدوب، محمد أبو الأجفان، عثمان بطیخ، بیروت، الدار العربیه للکتاب.
- ۳۲- دبوسی، عبدالله بن عمر (?). *تاسیس النظر*، قاهره، مطبعة الادبیة بسوق الحضار القديم.
- ۳۳- رجائی، محمد حسین، *(تاریخچه شکل گیری قواعد فقه در میان فریقین)*، مجله: پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی؛ تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۳۲.
- ۳۴- رحمانی فرد، علی & نجیبی، محمد علی، بهار و تابستان ۱۳۹۵، *(تفاوت قاعده ی اصولی با قاعده ی فقهی)* مجله مطالعات اصول فقه امامیه، شماره ۱۸، ۵ صفحه - از ۱۸ تا ۳۵.
- ۳۵- ریاض منصور خلیفی، (۱۴۲۳ ق- ۱۹۹۷ م). *المنهاج فى علم القواعد الفقهیه*، چاپ اول، حیدرآباد، مرکز البحث والدعوه.
- ۳۶- زحیلی، محمد مصطفی، (۱۴۲۷ ق - ۲۰۰۶ م). *القواعد الفقهیه وتطبیقاتها فى المذاهب الأربعة*، دمشق، دار الفکر.
- ۳۷- زرقاء، احمد محمد (۱۴۰۹ ق- ۱۹۸۹ م). *شرح القواعد الفقهیه*، محقق: عبدالستار ابو غده، دمشق، دارالقلم.



- ۳۸- زرکشی، بدرالدین، (۱۴۲۱ ق- ۲۰۰۰ م). *المنثور فی القواعد*، محقق: محمد حسن محمد حسن إسماعیل، لبنان، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ۳۹- سامری، محمد بن عبد الله بن الحسین (۱۴۱۸ ق- ۱۹۹۷ م). *الفروق علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل*، ج ۱: قسم العبادات، محقق: محمد إبراهيم بن محمد یحی، ریاض، دار الصمیعی للنشر والتوزیع.
- ۴۰- سبکی، عبد الوهاب بن تقی الدین، (۱۴۱۱ ق- ۱۹۹۱ م). *الأشباه والنظائر*، لبنان، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ۴۱- سجستانی، ابوجعفر (۱۴۱۰ ق). *الغنیة فی اصول الفقه*، تحقیق دکتر محمد صدقی بن أحمد البورنو، ریاض.
- ۴۲- سرخسی، أحمد بن أبی سهل (۱۴۱۴ ق - ۱۹۹۳ م). *أصول السرخسی*، المحقق: أبو الوفا الأفغانی، حیدرآباد، لجنة إحياء المعارف النعمانیة.
- ۴۳- سرشار، محمود، مهر و آبان ۱۳۳۶، *(قواعد فقه)*، مجله کانون وکلا، شماره ۵۵، ۲ صفحه - از ۶۴ تا ۶۵.
- ۴۴- سقاف، علوی بن أحمد (۲۰۱۶ م). *الفوائد المکیة فیما یتحتاجه طلبه الشافعیة والضوابط والقواعد الکلیة*، ترجمه و تحقیق بشیر عبدالله علی ابراهیم، قاهره، المکتبة الازهریة للتراث.
- ۴۵- سلیم رستم باز اللبنانی (۱۸۹۸ م). *شرح المجله*، بیروت: مطبعة الادبیة.
- ۴۶- سیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر (۱۴۱۱ ق- ۱۹۹۰ م). *الأشباه والنظائر*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ۴۷- شاشی، أحمد بن محمد بن إسحاق (۱۳۹۲). *أصول الشاشی*، ج ۲، زاهدان، انتشارات فاروق اعظم.
- ۴۸- شبر، عبدالله (۱۴۰۴ ق). *الاصول الأصلیة والقواعد الشرعیة*، قم، مکتبه المفید.
- ۴۹- شطی، محمد حسن توفیق، (؟) *المواد النظامیة لأحكام الشریعة المحمدیة*، عربستان سعودی، ریاض، مکتبات جامعه الملك سعود.
- ۵۰- شهیدثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۹۶) *تمهید القواعد*، ایران قم، بوستان کتاب.
- ۵۱- صاحب نثار، محمدحسین، پاییز ۱۳۸۸، *(شهید اول پایه گذار قواعد فقهی)*، مجله فقه، مترجم: عبدالله امینی پور، شماره ۶۱.
- ۵۲- صالح بن غانم سدلان، (۱۴۲۰ ق- ۱۹۹۹ م). *القواعد الفقهیة الكبرى وما تفرع منها*، چاپ دوم، ریاض، دارالبلنسیه.
- ۵۳- طریحی، فخرالدین ابن محمد، (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران، مکتبه المرتضویه، محقق احمد حسینی اشکوری.
- ۵۴- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۰۰ ق). *القواعد والفوائد*، قم، کتابفروشی امید.



- ۵۵- عاملی کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، (۱۴۱۴ ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، ایران، قم، مؤسسه آل البيت.
- ۵۶- علامه حلی، حسن ابن یوسف (۱۴۱۳ ق). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال والحرام، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- ۵۷- عبد العزیز بن عبد السلام (۱۴۱۱ ق- ۱۹۹۱ م). قواعد الأحکام فی مصالح الأنام، محقق: طه عبد الرؤوف سعد، القاهرة، مكتبة الكليات الأزهرية.
- ۵۸- عثيمين، محمد بن صالح بن محمد (؟). القواعد الفقهية، قاهره، مكتبة الإيمان اسكندريه، دار البصيره.
- ۵۹- علائی كَيْكَلْدِي، صلاح الدين بن خليل (۱۴۱۴ ق- ۱۹۹۴ م). المجموع المُنْهَبُ فِي قَوَاعِدِ الْمَذْهَبِ الشَّافِعِيِّ، محقق: محمد بن عبد الغفار بن عبد الرحمن، الكويت، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية.
- ۶۰- علي حيدر (۱۴۲۳ ق- ۲۰۰۳ م). درر الحکام شرح مجله الأحکام، بيروت، دار عالم الكتب.
- ۶۱- غزى على بن عثمان، (۱۴۱۸ ق- ۱۹۹۷ م). الموسوعة القواعد الفقهية، بيروت، مؤسسه الرسالة.
- ۶۲- غزى، محمد سعيد (۱۹۱۹ م). الأدلة الاصلية الاصولية شرح مجله الأحکام العدلية، دمشق المطبعة البطريركية.
- ۶۳- فاضل مقداد، مقداد ابن عبدالله (۱۳۶۱). نضد القواعد الفقهية على مذهب الامامية، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
- ۶۴- فخر المحققين، محمد ابن حسن (۱۳۸۷). ايضاح الفوائد فى شرح مشكلات القواعد، قم، اسماعيليان.
- ۶۵- فيومى، احمد ابن محمد (۱۴۱۴ ق). مصباح المنير، قم، مؤسسه دارالهجرة.
- ۶۶- قرافى، أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن (؟). الفروق، بيروت، عالم الكتب.
- ۶۷- كاشف الغطاء، جعفر ابن خضر (۱۳۱۷ ق). كشف الغطاء عن مبهمات شريعة الغراء، ايران، قم، دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم.
- ۶۸- كاشف الغطاء، جعفر ابن خضر (۱۳۵۹ ق). تحرير المجلة، قم، مكتبة النجاح.
- ۶۹- كرابيسى، أسعد بن محمد بن الحسين (۱۴۰۲ ق - ۱۹۸۲ م). الفروق، محقق: د. محمد طوموم كويت، وزارة الأوقاف الكويتية.
- ۷۰- كرخى، ابوالحسن (؟). اصول الكرخى، تحقيق وتصحيح: مصطفى محمد القباني، بيروت، دار ابن زيدون.
- ۷۱- محاسنى، محمد سعيد (۱۹۲۷ م). شرح مجله الأحکام العدلية، دمشق، مطبعة الترقى.
- ۷۲- معوض، على محمد و عادل احمد عبدالموجود (۱۴۲۰ ق). تاريخ تشريع الاسلامى دراسات فى التشريع و تطوره و رجاله، ج ۲ بيروت دارالكتب العلمية لبنان.
- ۷۳- مسلم بن الحجاج (؟). صحيح مسلم، محقق: محمد فؤاد بيروت دار إحياء التراث العربى.
- ۷۴- محمود، حمزة (۱۴۰۶ ق- ۱۹۸۶ م). الفرائد البهية فى القواعد والفوائد الفقهية، دمشق، دار الفكر.



- ۷۵- محمود مصطفی عبود هر موش (۱۹۸۹ م). *القاعده الکلیه وأعمال الکلام أولی من إهماله و أثرها فی الاصول، بیروت، مؤسسه الجامعیه.*
- ۷۶- مسعود افندی (۱۸۸۱ م) *مرآة عدلیه، ترکیه، آستانه.*
- ۷۷- مصطفی احمد الزرقاء (۱۴۱۸ ق- ۱۹۹۸ م). *المدخل الفقہی العام، دمشق، دارالقلم.*
- ۷۸- مقری، محمد بن أحمد (۲۰۱۲ م). *التقواعد، الرباط، دار الأمان.*
- ۷۹- مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۰). *التقواعد الفقہیہ، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب. (علیه السلام)*
- ۸۰- موسوی بجنوردی، حسن (۱۳۷۷). *التقواعد الفقہیہ، محقق مهدی مهریزی و محمد حسن درایتی، قم، نشر الهادی.*
- ۸۱- نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۳۷۵). *عوائد الایام فی مهمات ادلة الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، ایران، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.*
- ۸۲- ندوی، علی احمد، (۱۴۱۴ ق- ۱۹۹۴ م). *التقواعد الفقہیہ، مفهومها، نشاطها، تطورها، دراسة مولفاتها، چاپ سوم، دمشق، دارالقلم.*
- ۸۳- نسفی سمرقندی، عمر ابن محمد، (۱۳۹۳). *عقاید النسفیہ، تهران، نشر زوار.*
- ۸۴- وزیری، مجید، تابستان ۱۳۸۷، (حوزه قواعد فقهی، روش شناسی کشف قواعد فقهی در فقه امامیه)، مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۲، ISC، ۲۸، صفحه - از ۹ تا ۳۶.
- ۸۵- ویسی مولوی، محمود، بهار ۱۳۹۴، (نگاهی دوباره به قواعد فقهی با تکیه بر کتاب «قواعد فقه مذهب شافعی»)، مجله نقد کتاب فقه و حقوق، شماره ۱، ۶، صفحه - از ۱۶۷ تا ۱۷۲.
- ۸۶- ونشیرسی، أحمد بن یحیی (۱۴۲۷ ق- ۲۰۰۶ م). *ایضاح المسالک إلی قواعد الإمام ابی عبد الله مالک، محقق: الصادق بن عبدالرحمن الغریانی، الرياض، دار ابن حزم.*
- ۸۷- هادی نقی جلال آباد، غلامرضا، زمستان ۱۳۹۴، (الاقطاب الفقہیة علی مذهب الامامیة) مجله: آینه پژوهش، دوره ۲۶، شماره ۱۵۶، صفحه ۷۹-۸۷.
- سایت های اینترنتی

90- <https://al-maktaba.org/book/33199> the sources of jurisprudence's rules in Islamic religions